

حقوق بشر دوستانه اسلامی: تحلیلی محتوایی و کارکردی آیات جهاد با تاکید بر فقه امامیه

تاریخ دریافت مقاله: مرداد ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش مقاله: شهریور ۱۳۹۹

مهدی قاضیان^۱، محمدصادق ذوقی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، فقه و حقوق، دانشگاه امام صادق(ع)

^۲ دانشجوی دکتری، فقه و حقوق دانشگاه تهران، پژوهشگر مرکز ایده پردازی علوم انسانی اسلامی

نویسنده مسئول:

مهدی قاضیان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده

از عوامل مهم ایستادگی مستضعفین در برابر مستکبران، مسئله جهاد می‌باشد. اما در جهان کنونی جهاد را یکی از امور خلاف حقوق بشر معرفی می‌نمایند. امروزه گروهک‌های جنگ طلب مذهبی مانند داعش، طالبان و بوکوحرام با بهانه‌ی استکبارستیزی و با ادعای استناد به قرآن، اقدام به وحشی‌گری‌های گسترده‌ای می‌نمایند و یک انحراف اساسی در موضوع استکبارستیزی ایجاد کرده‌اند. لذا در این پژوهش با رویکرد تحلیلی-توصیفی درصدد بررسی موضوع جهاد و جنگ و تعیین مولفه‌های آن در اسلام مبتنی بر آیات قرآن هستیم تا مشخص شود واقعاً دین و قرآن گروه‌های تکفیری را با عناوینی مانند استکبارستیزی و نفی حکومت طاغوت و ... تشویق و تحریک به اعمال وحشیانه و غیرانسانی می‌نماید یا عوامل دیگری در این امر دخیل هستند.

کلمات کلیدی: استکبارستیزی، جهاد در قرآن، حقوق بشر، داعش.

مقدمه

امروزه خشونت یکی از بحران‌های جدی و اساسی می‌باشد که جان انسان‌های زیادی را به خطر انداخته و هم آینده‌ی افراد زیادی را تحت تأثیر قرار داده و آثار سوء فراوان دارد. خشونت‌ی که دنیای زیبا را به برزخ و جهنمی شوم تبدیل کرده که انسان‌های فراوانی را به کام مرگ کشانده و امکان رشد و شکوفایی استعداد‌های ایشان را گرفته است.

خشونت‌ی که موضوع بحث می‌باشد عوامل مختلفی می‌تواند داشته باشد. برخی از این عوامل ناشی از عقده‌های روانی‌اند و برخی ناشی از تربیت‌های خشونت‌آمیز خانوادگی و برخی برای کسب منافع بیشتر و ثروت‌اندوزی دست به این‌گونه از اعمال و رفتارها می‌زنند. ولی یکی دیگر از این عوامل که گستره فراوان دارد و افراد زیادی دچار آن هستند، خشونت‌های مبتنی بر مذهب و دین است. به این صورت که افراد دست به رفتارهای خشونت‌آمیزی می‌زنند که ادعا دارند منشا و ایده‌ی این رفتارشان را از دین وام گرفته‌اند.

امروزه مهم‌ترین جلوه‌ی خشونت‌ی که به نام اسلام شکل گرفته و گسترده‌ی فراوانی دارد، جهاد است. در حال حاضر گروه‌های مختلفی به نام اسلام و با توجیه رفتارهای خود به نام اسلام و در ذیل دستور اسلام به مبارزه با طاغوت و استکبار، سعی در تحقق اهداف شوم خوددارند. یکی از مهم‌ترین این گروه‌ها داعش و القاعده است. داعش و القاعده با اقدام به جنگ و خونریزی‌های فراوانی و کشتار اسرای جنگی و کودکان و زنان، جلوه‌ی دین اسلام را در صحنه‌ی بین‌الملل خدشه‌دار نموده است. داعش خشونت‌ها و جنگ‌ها و کشتارهای خود را به نام اسلام مبارزه با استکبار انجام می‌دهد و تصور می‌کند که اجراکننده اسلام حقیقی است، درحالی‌که واقعاً چگونه ممکن است دینی که در ابتدای ظهورش، مهم‌ترین عاملی که مردم به آن گرایش پیدا کردند، مهربانی و نوع‌دوستی و محبت و عشق بوده و حتی دعوت به مبارزه با استکبار را هم در جهت به سعادت رسیدن انسان‌ها قرار داده است، انسان‌ها را به خشونت و خونریزی دعوت نماید؟

مهم‌ترین جلوه‌ی نوع‌دوستی و مهربانی را می‌توان در رفتارهای پیامبر اسلام حضرت محمد صلی‌الله علیه و اله مشاهده کرد که در بسیاری از موارد، مردم به ایشان ایمان می‌آوردند و اسلام را قبول می‌کردند و تنها دلیل آن‌ها رفتار خوب و زیبای پیامبر بود به‌عنوان مثال قرآن پیامبر را مایه رحمت و مهربانی و عطاوت برای جهانیان و نه فقط مسلمانان معرفی می‌کند. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء/۱۰۷). از طرفی آیات فراوانی از قرآن وجود دارد که دین اسلام را دین مهربانی و نوع‌دوستی معرفی می‌کند و این دین را پیام‌آور وحدت و نوع‌دوستی و کمک به مظلومان معرفی می‌کند.

حال سؤال اساسی که ذهن هر انسانی را به خود مشغول می‌سازد این است که چرا باوجود این زیبایی‌هایی که در دین اسلام وجود دارد، این‌گونه از خشونت‌ها شکل گرفته و افراد به این‌گونه از اعمال خشونت‌آمیز دست می‌زنند. نظر دین اسلام در مورد این‌گونه از رفتارها چیست؟ آیا واقعاً استکبارستیزی‌ای که قرآن از آن دم می‌زند، همین کشتار بی‌گناهان و اعمال خشونت‌هاست؟ آیا آیات قرآن تأثیری درشکه‌گیری این‌گونه از رفتارها داشته‌اند؟ در این پژوهش درصدد هستیم که پاسخ این‌گونه از سوالات را با تحلیل آیات قرآن استخراج کنیم و نسبت خشونت‌های مذهبی را با آیات قرآن و منابع دینی اسلام مشخص کنیم.

در ابتدا تعریفی از استکبار و سپس جهاد و انواع آن را و ارتباط بین این دو را به‌طور مختصر بیان می‌کنیم. پس‌از آن و به‌طور مفصل بیان خواهیم نمود که جهاد هدفی مقدس دارد و در راستای استکبارستیزی حقیقی می‌باشد. در ادامه به شکل و نحوه‌ی اجرای جهاد که دارای قواعد خاصی است و مسلماً این‌گونه از اشکال جهاد را که امروزه می‌بینیم جزء دین نیست و در قرآن این‌گونه رفتارها و اعمال منع شده است می‌پردازیم. ونیز آثار خوب و مطلوبی که جهاد در راستای تحقق حقوق بشر دارد را بیان داشته و سپس علت رفتارهای خشونت‌آمیز را بیان می‌نماییم.

استکبار**معنی استکبار**

استکبار از ماده‌ی کَبَرٌ یا «کَبِرَ» است که در لغت به معنای عظمت و بزرگی آمده (جوهری و عطار، ۱۴۰۴). و در اصطلاح دینی و قرآنی، کَبَرٌ، تکبّر و استکبار قریب المعنی هستند؛ کبر حالتی است که انسان نفس خویش را بزرگ‌تر از آنچه هست ببیند و کبر کفار این است که از گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» استکبار ورزند؛ این یعنی شرک به خدا؛ پس بزرگ‌ترین تکبّر برای خداوند است، به سبب امتناع از پذیرش حق؛ به عبارتی استکبار یعنی امتناع از قبول حق از روی عناد و تکبّر (بزرگ‌بینی خویش) (ابن منظور، بدون تاریخ).

«استکبار آن است که انسان اظهار بزرگی کند و آنچه را که از آن او نیست و برای او روا نیست، ابراز دارد...». قرآن مستکبران را در مقابل ضعیفان قرار داده است؛ به جهت آگاهی دادن به این نکته که استکبار آنان، به علت قوه و نیروی بدنی و مالی آنها بوده است و در جای دیگر، مستکبران را در مقابل مستضعفان قرار داده است» (ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ۱۳۸۸).

در طول تاریخ نیز گروه های استکباری و استکبار طلب مختلفی وجود داشته اند که اشاره به آنها می تواند معنی و مفهوم استکبار را بیش از پیش تبیین کند، در این مورد می توان به گروه هایی چون رهبران جنگ جمل، رهبران جنگ صفین، خوارج، بنی امیه و بنی عباس (پویا، ۱۳۷۹، صص ۵۲-۱۷۰) اشاره کرد. ابعاد استکبار نیز بسیار گسترده می باشد و می توان عرصه ها و موضوعات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را بیان کرد (خمینی، ۱۳۸۳، صص ۷-۲۵) که امروزه تجلی استکبار را در تمام این ابعاد مشاهده می کنیم.

انگیزه های استکبار

انگیزه استکبار همان خودبینی و خودمحوری و غرور و خودخواهی است؛ و اینک سخن بر سر این است که غرور و خودمحوری از کجا به وجود می آید و عوامل آن چیست. اولین مستکبر عالم خلقت، ابلیس با تکیه بر جنسیت و فاصله آتش و خاک، قیاس ارزش ها را این معیار، به دام کبر درافتاد و در زمره مستکبران درآمد.

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره/ ۳۴) و چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید پس به جز ابلیس که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد [همه] به سجده درافتادند؛ ضمن اینکه همواره تکیه بر جنسیت و رنگ و اقلیم، همچنان که شیطان نیز بر اساس همان استکبار ورزید، در طول تاریخ حیات انسان، محور استکبار بوده است. بنابر این مهمترین و اولین عامل برای استکبار را می توان مسئله ی جنس برتر و نژاد برتر دانست (محمدتقی رهبر، ۱۳۶۲، ص ۱۱) که اولین استکبار هستی را رقم زد.

از دیگر عوامل و انگیزه های مهم استکبار می توان به سلطه یافتن و قدرت طلبی اشاره کرد، قرآن کریم در این مورد به صراحت می فرماید «فَأَمَّا غَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أُولَئِكَ كَانُوا فِي اللَّهِ الَّذِينَ خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ» (۱۵) فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا ضَرْبًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنَدْبِقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلِعَذَابِ الْأٰخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ» (۱۶) که قوم عاد مردمی بودند که در سرزمین آباد و معمور بنام احقاف از یمن سکونت داشتند که فراوانی نعمت برای این قوم، احساس قدرت و غرور را به همراه داشت تا آنجا که خود را قدرتمند و نیرومندترین افراد پنداشتند و پیامبر مبعوث الهی را (هود) را تکذیب کردند (محمدتقی رهبر، ۱۳۶۲، ص ۳۲).

کفر

در بسیاری از موارد قرآن، هرگاه سخن از مستکبران رفته، مقارن آن از کفر یا شرک یا نفاق حرفی بمیان آمده است. بررسی این موارد می تواند در تشخیص انگیزه ها و عوامل استکبار راهنما و راهگشا باشد.

«وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ فَاستَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ» (جاثیه/ ۳۱). و اما کسانی که کافر شدند [بدانها می گویند] پس مگر آیات من بر شما خوانده نمی شد و [الی] تکبر نمودید و مردمی بدکار بودید. این آیه دلالت دارد که: کفر انگیزه استکبار است و استکبار نیز زمینه ساز جرم و جنایت می باشد.

«لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسْرُونَ وَمَا يُغْلَبُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أُنزِلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أُسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (نحل/ آیات ۲۳ و ۲۴). و چون به آنان گفته شود پروردگارتان چه چیز نازل کرده است می گویند افسانه های پیشینیان است. شک نیست که خداوند آنچه را پنهان می دارند و آنچه را آشکار می سازند می داند و او گردنکشان را دوست نمی دارد. انکار مبدأ از یک طرف و انکار معاد و کيفر و پاداش الهی از سوی دیگر، سر از استکبار بیرون می آورد.

نفاق

در بحث انگیزه ها، به آیه ای دیگر می رسیم که در شان منافقان است. آنها که کفر باطنی خود را زیرپوششی از ایمان مخفی داشته و عملکردی بهتر از کفار و مشرکین ندارند؛ و چه بسا همین منافقین بهترین ابزار دست کفار باشند برای به ثمر رساندن اهداف کفار. در واقع این منافقین هستند که خود را مؤمن نشان می دهند اما در حقیقت به یاری کفار می شتابند. اینان در صد هستند که چهره ایمان و اسلام را تخریب کنند. همان گونه که امروزه شاهد همین اعمال و رفتارها از سوی داعش و القاعده و ... هستیم. در حقیقت می توان گفت که داعش و القاعده خود مستکبرانی هستند که با قلب حقیقت و مؤمن و مسلمان نشان دادن خود، راه ایمان را نیز در چشمان حقیقت جویان عالم سیاه کرده اند.

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ» (منافقون/ ۵). و چون بدیشان گفته شود بیایید تا پیامبر خدا برای شما آموزش بخواهد سرهای خود را برمی گردانند و آنان را می بینی که تکبرکنان روی

برمی‌تابند. این آیه، خصلت استکباری را به‌عنوان خوی و منش منافقان نشان می‌دهد؛ و نیز خاطرنشان می‌سازد که این منافقان مستکبر، راه خدا را سد کرده‌اند، نه خود به این راه می‌روند و نه می‌گذارند دیگران بروند. دقیقاً همان‌گونه که داعش همین کار را انجام می‌دهد و همه فرقه‌های دیگر اسلامی را کافر و نجس می‌داند و تنها خود را شایسته زنده‌بودن می‌داند و سایرین را به‌زور در راه خود می‌خواند و یا از لب تیغ می‌گذرانند.

راه مقابله با استکبار، جهاد با آنان است. مستکبران، در اجرای مقاصد شوم خویش، گاه با مقاومت ملت‌های رنج‌دیده روبه‌رو می‌شوند. سیاست سرکوب و کشتار استقامت‌کنندگان علیه ستم، چیزی است که سابقه‌ی ممتد تاریخی دارد. هرگاه حرکتی و جنبشی از سوی مستضعفان صورت پذیرفته، بلافاصله سیاست خشونت و شکنجه و ارباب، آن حرکت را در نطفه خفه کرده است. تاریخ سیاه پرورنده جنایی بشر و کشتارهای فردی و گروهی از روزگاران دور گرفته تا جنگ‌های جهانی اول و دوم و جنگ‌های جاری در فلسطین اشغالی و لبنان به دست امپریالیسم آمریکا و صهیونیست‌ها و عمالشان و ... همه گویای این واقعیت هستند.

قرآن کریم که کامل‌ترین و جامع‌ترین کتاب جاودانه و آیین‌نامه‌ی زندگی انسان تا دامنه‌ی قامت است با فرمان: « قَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ » (توبه/۱۲) (با سران کفر بجنگید) تکلیف را روشن ساخته است. جهاد و مبارزه علیه مستکبران، برای رهایی مستضعفان، به عنوان یک اصل در آیات قرآن توصیه و تأکید شده است که تخلف از آن، طولانی‌تر شدن شب ظلمانی حاکمیت مستکبران و عقوبت الهی را در پی دارد (محمد تقی رهبر، ۱۳۶۲).

اما مستکبرین همین جهاد را به انحراف کشانده‌اند و با معرفی کردن جهاد به‌گونه‌ای که خود می‌خواهند، با استفاده از رسانه‌ها و تبلیغات و ترویج شکل منحرف‌شده از جهاد در بین مستضعفین مسلمان درصدد هستند تا کاری کنند که در جهان از جهاد به‌عنوان یک مسئله ضد ارزش یاد شود و دیگر کسی به جهاد به‌عنوان راه حل مبارزه با ظلم و ستم مستکبرین نگاه نکند. فلذا در سایه این جهادی که خودساخته‌اند که در حقیقت خود جهادی منافقانه و همان‌طور که گفتیم جهادی مستکبرانه است، به حیات استکباری خویش ادامه می‌دهند.

جهاد

معنی جهاد

از نظر لغوی و ریشه‌شناختی، جهاد از ریشه‌ی جهد به فتح جیم به معنی مشقت و رنج و یا از ریشه جهد به ضم جیم به معنی توان و طاقت و کوشش گرفته شده (آقاباقری، ۱۳۹۳، ص ۱۷۶) و در تعریف الجهد می‌گوید این کلمه به معنی صعوبت و مشقت توأم با رنج است و جهاد کردن یعنی قدرت خود را به کار انداختن و متحمل مشقت شدن و جنگ را از آن جهت جهاد گویند که همراه با رنج است (آقاباقری، ۱۳۹۳، ص ۱۷۶).

اما در اصطلاح این کلمه استعمال‌های مختلف دارد که در تمام معانی بر اساس آن معنای لغوی که اشاره شد مبتنی است و به آن معنی مربوط است. در اصطلاح یک معنای کلی در اسلام به معنی بذل جان و مال و توان در راه اعتلای اسلام و برپاداشتن شعائر دین است (آقاباقری، ۱۳۹۳، ص ۱۷۶). در مورد موضوع مورد بحث که جنگ به معنای مصطلح باشد هم استعمال شده و در مورد این تعریف و استعمال گویند: جهاد جنگ با مشرکان است آن‌هم به اذن امام معصوم علیه‌السلام و یا مأذون و منصوب از جانب وی (آقاباقری، ۱۳۹۳، ص ۱۷۶). و در باب ماهیت جهاد نیز، اختلافی میان محققان نیست که ماهیت جهاد، دفاع است، و هر نوع قتالی که برای جذب مال و ثروت و استخدام نیروهای اقتصادی یا انسانی باشد از نظر اسلام مردود است (مطهری، بدون تاریخ، ص ۳۹).

کلمه جهاد در قرآن هم استعمال‌های فراوان داشته است که غالباً مشتقات این کلمه در قرآن استعمال شده مانند:
 لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ
 وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (النساء/۹۵)
 «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَنَّكُمْ أَمْوَالًا أَفْتَرْتُمُوهَا وَتِجَارَةً تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينَ تَرْضَوْنَهَا
 أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (التوبة/۲۴)

«وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ» (الحج/ ۷۸)

«فَلَا تَطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (الفرقان/ ۵۲)

انواع جهاد

جهاد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عبادت‌های اسلامی، مستکبران و متجاوزان به‌حق بندگی خداوند را مورد هدف قرار می‌دهد، نه توده جاهل و مستضعف را. خداوند جهاد را واجب کرده تا اولاً، مستکبران سرکوب شوند و انسان‌های در ضعف نگه‌داشته شده رهایی یابند، ثانیاً، کسانی که در جهالت و بی‌خبری گرفتار شده‌اند، از نور معرفت الله بهره‌مند شوند و با آشنایی به وظایف خویش و عمل به آن‌ها در جهت سعادت خویش گام بردارند (وحیدی‌منش، ۱۳۸۵). در مورد ابعاد جهاد و دفاع نیز می‌توان به دفاع از دارالاسلام و بلاد اسلامی، دفاع از اتباع دولت اسلامی، دفاع از حکومت اسلامی، دفاع از دین، دفاع از دیگری، دفاع از حقوق بشر، دفاع از تمامیت ارضی (هاشمی و یوسفی، ۱۴۳۶، صص ۱۳۱-۲۰۹).

جهاد، تکلیفی همگانی

در آیه ۷۵ سوره نساء خداوند می‌فرماید:

«أَمَّا لَكُمْ لَّا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء/ ۷۵). و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید همانان که می‌گویند پروردگارا ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یابوری برای ما تعیین فرما. خداوند در این آیه از قرآن کریم، جهاد در راه نجات مستضعفین را، به‌عنوان یک فریضه بسیار مهم مطرح ساخته و تساهل در آن را نکوهش نموده است.

طبق این آیه، جهاد در راه نجات مستضعفان، به جهاد در راه خدا عطف گردیده و این خود از لطفی خاص برخوردار است. آری جهاد در راه مستضعفین، ادامه جهاد در راه خدا است، زیرا بر اساس این اعتقاد که خدا را نیازی به بندگان نیست و دین و رسالت و امامت و قانون و کتاب همه و همه برای رهایی انسان‌ها آمده است. آنان که برای رهایی انسان و آزاد ساختن وی از دست مستکبران قیام کرده‌اند، در حقیقت قیام الله نموده و جهادشان فی سبیل الله است.

جهاد در راه مستضعفین، شرط و قید ندارد و نژاد و قبیله و مرز جغرافیایی نمی‌شناسد. از این رو بر مسلمانان است در هر نقطه‌ای که هستند، برای نجات مستضعفان، در هر کشور و مرز و بومی که بسر می‌برند، قیام کنند و تا رهایی آنان از پای ننشینند. خلاصه آنکه: تا در جهان مستکبری هست که مستضعفی را در بند اسارت دارد، تکلیف جهاد، ساقط نبوده و سلاح از دست نهاده نخواهد شد (محمد تقی رهبر، ۱۳۶۲). پس با این تعریف، هدف از جهاد دو چیز می‌باشد: یکی مبارزه با مستکبرینی که سد راه سعادت انسان‌ها شده‌اند و دیگری به سعادت رسیدن انسان‌ها با توجه به بستری که آماده شده است.

انواع جهاد

جهاد در اسلام به دو نوع دفاعی و ابتدایی تقسیم می‌شود.

جهاد دفاعی، به این معنا است که گاهی بر فرد یا جمعیتی جنگ تحمیل شده و مورد هجوم و تجاوز قرار گرفته‌اند، در این حالت هر عقل سلیم حکم می‌کند که این افراد مورد تجاوز قرار گرفته شده، حق دفاع از مال و جان خود را دارند (حیدری کاشانی، ۱۳۶۷). هر محققى که در تاریخ اسلام وارد شود خواهد دید که اکثر جنگ‌ها و جهادهایی که در ابتدای اسلام رخ داده از این نوع جهادها بوده است، مانند جنگ‌های احزاب، احد، مونه، تبوک و حنین. که در مورد مشروع بودن جهاد ابتدایی، در کتب دیگر به تفصیل، ادله عقلی و نقلی آن بیان شده است و هم از آیات و روایات و هم اجماع و سیره، بر جواز و لزوم جهاد جهاد دفاعی تاکید شده است (هاشمی و یوسفی، ۱۴۳۶، صص ۵۴-۷۰).

جهاد ابتدایی نوع دیگری از جهاد است که تعریف آن در ادبیات دینی این است که مسلمانان برای دعوت کفار به اسلام این نوع از جهاد را انجام داده و اقدام نمایند.

نکته مهم قابل توجه این است که هر انسان عاقل و منصفی جهاد ابتدایی را جایز و درست می‌داند و هیچ گروهی را از این که از مال و جان خود دفاع کند منع نمی‌کنند ولی آنچه قابل توجه است این است که جهاد ابتدایی می‌تواند منبع و منشای برای خشونت باشد (آقاباقری، ۱۳۹۳، ص ۱۷۶) به این صورت که مسلمانان با هر انگیزه‌ی درست و نادرستی به بهانه جهاد و دعوت کفار به اسلام، اقدام به جهاد کنند؛ و استکبار را خودشان معنا کنند و فوراً جنگ و خون‌ریزی به راه بیندازند. برداشت غلط از این آموزه می‌تواند الگو و سرمشقی باشد برای پیروان این دین در آینده، که بر اساس آن، اقدام به جهاد می‌کنند. همان‌گونه که داعش و القاعده امروزه به بهانه دعوت مردم به اسلام، اقدام به جنگ و خون‌ریزی‌هایی می‌کنند که هیچ ثمره‌ای هم نداشته و مردم مناطق تحت تسلط ایشان، هیچ طعمی از آزادی و رفاه و آسایش را نچشیده‌اند در صورتی که بهانه و انگیزه‌ای که اعلام می‌کردند این‌گونه مزیت‌ها بوده است.

در حال آنچه از جهاد می‌تواند مبنای خشونت مذهبی باشد، آموزه‌های جهاد ابتدایی است در حالی که حقیقت امر در مورد جهاد ابتدایی این است که تمام جهادهایی که در اسلام شکل می‌گیرد جهاد دفاعی است حتی مواردی هم که به ظاهر ابتدایی‌اند. چون روح جهاد ابتدایی در قرآن هم به دفاع از مظلومان برمی‌گردد زیرا مستکبران و ظالمان مانع از تبلیغ پیام الهی اسلام می‌شوند و از طرفی همه انسان‌ها در تمام جوامع حق دارند که ندای منادیان راه حق را به شنوندند و در قبول دعوت آن‌ها آزاد باشند (آقاباقری، ۱۳۹۳، ص ۱۷۶) و هدف و روش در جهاد دفاعی تحقق این هدف است که موانع آزادی فکری و عقیدتی که برای برخی انسان‌ها وجود دارد برداشته شود، هر فردی که مانع از تحقق این هدف می‌شود اصلاح یا حذف می‌شود، جهاد ابتدایی در حقیقت، یک نوع دفاع است. دفاع از توحید و دین الهی به‌عنوان یک حق فطری انسانی. چنین چیزی از نظر منطقی و وجدانی امری قابل قبول است.

در ادامه باید گفت که جواز جهاد ابتدایی به این معنا نیست که به بهانه آزادی عقیده و دین دست به قتل و کشتار عده‌ای بزینیم و بگویی که مانع از رسیدن کلام حق بود و هر فردی که بعد از دعوت به اسلام، ایمان نیاورد و آن را نپذیرفت، اقدام به کشتن و حذف او نماییم، بلکه حقیقت این است که بعد از دعوت اسلام، افراد اختیاردارند که اسلام را قبول نکنند یا نکنند، اگر نپذیرفتند تحت حمایت حکومت اسلامی قرار می‌گیرند و آزادانه می‌توانند به دین خود ملتزم باشند و عمل نمایند و هیچ اجباری در دعوت به اسلام وجود ندارد همان‌گونه که آیه مبارکه می‌فرماید «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (البقره/ ۲۵۶). در این آیه که از مهم‌ترین آیات تبلیغی قرآن است بعد از امر دعوت مردم به دین اسلام، در ادامه ذکر می‌کند که قبول اسلام یا عدم قبول آن اجباری نیست و هر فردی که این دعوت را قبول نکند باکمال آزادی عقیده و فکر می‌تواند تحت حکومت اسلامی زندگی کند. نمونه زیبایی این آزادی در ابتدای حکومت اسلامی را می‌توان در مسئله کفار ذمی بررسی کرد.

در نتیجه در این بخش باید بیان کرد که در جهاد، هیچ‌گونه خشونت و تجاوز و از بین بردن حقوق شهروندی وجود ندارد. بنابر نکات ذکر شده میدان جنگی که اسلام توصیف می‌کند، صحنه فضیلت و اخلاق است چون جنگ در اسلام صرفاً برای رفع پلیدی و فساد و ریشه‌کن کردن ستم و سرکوب ستمگران و زنده ساختن حق و عدالت و آزادی است (حیدری کاشانی، ۱۳۶۷، ص ۱۸).

تحلیل آیات جهاد در مورد ابتدایی یا دفاعی بودن

لازم است که آیات مربوط به جهاد بررسی اجمالی شوند و تبیین کنیم برخی از این آیات که دعوت به جهاد می‌کنند در مورد جهاد ابتدایی است.

۱- آیه ۱۹۰ سوره بقره به‌وضوح دلالت بر جهاد دفاعی دارد چون می‌فرماید «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفْتَالُونَكُم وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره/ ۱۹۰) کلمه یقاتلونکم می‌توجه می‌شود که هجوم از طرف مقابل صورت گرفته و این آیه قرآن درصدد تشویق و تحریک برای جهاد دفاعی است. و بعد تاریخی این آیه ناظر به موردی است که کفار و قبایل قریش از کینه‌توزی و آزار و اذیت مسلمانان دست برنمی‌داشتند و چاره‌ای جز دفاع و مقاومت در برابر آنان وجود نداشت، این آیه جهاد علیه این افراد را بیان می‌کند.^۱ بنابراین، امکان برداشت خشونت و افراط از این گونه از آیات امکان دارد، چون دفاع امری عقلانی است و خلاف اخلاق نیست و هیچ انسان عاقلی، دفاع از جان و مال و ناموس خود را خشونت نمی‌داند بلکه خشونت آن حمله و یورش است که از طرف مقابل صورت گرفته است.

۲- آیه دیگری که دال بر زیبایی و هدف مقدس داشتن جهاد است، آیه ۷۵ سوره مبارکه نساء است که دعوت و تحریک به جهاد می‌کند و هدف از این نهاد و دفاع را حمایت از مظلومان و مستضعفین می‌داند و در این مورد می‌فرماید «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلَاهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (نساء/ ۷۵) هدف از جهاد را خارج کردن مظلومان از زیر یوغ ستم ستمگران و مستکبران می‌داند.^۲ پس در نتیجه در تحلیل این آیه هم باید بیان کرد که دفاع از مظلومان و ستم دیدگان، نه تنها خشونت و ظلم نیست، بلکه بهترین عمل اخلاقی و انسانی که یک مسلمان می‌تواند انجام دهد این است که جان خود را برای حمایت و کمک به مظلوم در خطر بیندازد و این یکی از زیبایی‌های دین و جهاد است چه برسد به این که این‌گونه از رفتارها را خشونت و افراطی‌گری تفسیر و معرفی

^۱ (جهاد در آیات قرآن/ ایت الله حسین نوری/ دفتر نشر فرهنگ اسلامی)

^۲ (جهاد در آیات قرآن/ ایت الله حسین نوری/ دفتر نشر فرهنگ اسلامی)

کنیم. البته این نکته را باید متذکر شد که اینکه مظلوم و ستم دیده واقعی کیست و ضابطه شناخت آن چیست، خود نیاز به توضیح در مقالاتی دیگر دارد.

۳- از آیات دیگری که از مصادیق حمایت از مظلوم و ستم دیده است و هدف از جهاد را برقراری عدالت و انصاف می‌داند، آیه ۹ سوره مبارکه حجرات است می‌فرماید «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَبْغِيَ تَفْءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنَّ فَءَاتُ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات/۹) امر به جهاد در این آیه، این‌گونه است که دو گروه که باهم به مخاصمه می‌پردازند، مسلمانان را دعوت می‌کند که بین آن‌ها صلح برقرار کنند و در ادامه می‌فرماید اگر یکی از این دو گروه علیه دیگری به ناحق دست به ستم و تجاوز زد، پس بر مسلمانان لازم است که نسبت به گروهی که تحت ستم واقع شده قیام کنند و علیه گروه ستمگر وارد جهاد شوند که هدف از این جهاد کمک به مظلوم و یاری کردن به ستم دیده است. این آیه نشان می‌دهد که جهاد مسلمانان اختصاص به کفار ندارد بلکه اساس عدالت‌گستری اسلام اقتضا می‌کند که با ظلم ظالم و ستمگر مقابله شود.^۳ ولو اینکه ظالم مسلمان باشد یا خود را مسلمان معرفی کرده باشد.

۴- آیه‌ی دیگری که از آن می‌توان دفاعی بودن برخی جهادها را برداشت کرد آیه ۸ سوره مبارکه ممتحنه است که می‌فرماید «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه/۸) در این آیه خداوند جهاد را در مقابل کسانی که تجاوز نموده‌اند و حقی را ضایع کرده‌اند را جایز و صحیح می‌داند و از آن منع نمی‌کند و این آیه‌ی دیگر است که دلالت بر حق طلبانه بودن جهاد را دارد.

۵- دو آیه‌ی دیگر که امر به جهاد می‌کند و مسلمانان را به جهاد دعوت می‌کند:

«وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره/۱۹۰)

«وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه/۳۶)

از ادبیات این دو آیه متوجه می‌شویم که امر به جهاد در مقابل هجوم و حمله‌ی طرف مقابل است و این هم آیات دیگری است بر دعوت به جهاد دفاعی. پس نتیجه‌ی تبیین ماهیت جهاد و آیاتی که در این زمینه وجود داشت این است که جهاد دفاعی عملی طبیعی و عقلانی است و هیچ دلالتی بر خشونت و ضد اخلاقیات ندارد، از طرف دیگر جهاد ابتدایی نیز اغراض و اهداف گوناگون دارد، مانند دفاع از مظلوم، یاری ستم دیدگان، حمایت از گروه ضعیف، مبارزه با مستکبرینی که حقوق انسان‌ها را پایمال می‌کنند و ستم‌دیده و دیگر اهداف انسانی و اخلاقی که هر نظام اخلاقی صحیحی به این‌گونه حمایت‌ها امر می‌کند و ضروری می‌داند. پس نه جهاد دفاعی و نه جهاد ابتدایی و نه آیات قرآن در مورد این دو جهاد، هیچ دلالتی بر خشونت و افراط و ظلم ندارد. فلذا این جهادی که به نام استکبارستیزی و پیروی از اسلام توسط گروه‌هایی مانند داعش و القاعده معرفی می‌شود، در حقیقت یک خط انحرافی از مفهوم جهاد می‌باشد.

برای تبیین بیشتر مطلب، بعد از تبیین و تحلیل آیات جهاد، لازم است به دیدگاه‌های متفکران اسلامی در این مورد اشاره شود که جدی‌ترین تبیین در این مورد، از علامه شیخ محمد جواد بلاغی می‌باشد که می‌فرماید: «فکانت حروبہ باجمعها دفاعاً لعدوان المشرکین الظالمین عن التوحید و شریعة الاصلاح و المسلمین و مع ذلک فهو یسلک فی دفاعه احسن طریقه یسلکها المدافعون و اقربها الی السلام و الصلاح یقدم الموعظة و یدعوا الی الصلاح و السلام و یجنح الی السلم و یجیب الی الهدنة و یقبل عهدالصلح مع عرفانه انه المظفر المنصور» (البلاغی، بی تا، ص ۲۱۲)، در بین اهل سنت نیز این نظر جایگاه ویژه‌ای دارد و در این موضوع صاحب تفسیر المنار می‌فرماید: «فقتال النبی (صلی الله علیه وسلم) کله کان مدافعة عن الحق وأهله وحمایة لدعوة الحق؛ ولذلک کان تقدیم الدعوة شرطاً لجواز القتال؛ وإنما تكون الدعوة بالحجة والبرهان لا بالسيف والسنان، فإذا منعنا من الدعوة بالقوة بأن هدد الداعی أو قتل فعلینا أن نقاتل لحمایة الدعاء ونشر الدعوة لا للإکراه علی الدین» (رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۲، ص ۱۷۳)؛ و در نهایت باید بیان کرد همانطور که آیات قرآن، جنگ دفاعی را تجویز کرده اند نه جهاد ابتدایی را و با توجه به این که اولین کسی که به این آیات علم کرده است، شخص پیامبر (ص) بوده است، لذا جنگ‌های آن حضرت نیز دفاعی بوده است (صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۲، ص ۳۴). نکته‌ی مهم دیگری که در این زمینه باید بیان کرد این است که از این تبیین و تفکیک جهاد ابتدایی و دفاعی روشن می‌شود که بین جهاد و تروریسم، فاصله‌ی فراوانی وجود دارد (جمشیدی و طوسی، ۱۳۹۷، ص ۲۸) و آن چه که در اندیشه شیعی به نام جهاد تلقی می‌شود، با تروریسم و مصادیق آن تفاوت بسیاری دارد.

^۳ (جهاد در آیات قرآن/ایت الله حسین نوری/ دفتر نشر فرهنگ اسلامی)

چگونگی و نحوه جهاد

علاوه بر این که در اصل و فلسفه جهاد می‌توان زیبایی‌های اسلام را دید و تصدیق کرد که اسلام در جنگ و جهاد هم سعی کرده است که اصول انسانی و اخلاقی را حفظ کند. جنگی را که هر مکتب و نظام اخلاقی دیگری سعی می‌کند به بدترین وجوه ممکن انجام دهد تا به نتیجه‌ی خود برسد، اسلام چنین روش و هدفی ندارد، بلکه هدف اسلام رشد و تعالی و تحقق اهداف انسانی است و به همین دلیل این اصول انسانی را در جهاد هم رعایت می‌کند. در مورد نحوه شروع جنگ در اندیشه اسلامی نیز نکات قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که در این مورد باید به دو نکته‌ی اعلان جنگ و همچنین ابلاغ دعوت اسلامی یا هشدار به جنگ اشاره کرد (زحیلی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷ و ۱۴۸)، بنابراین باید به این نکته اشاره کرد که تمام شئون جنگ و جهاد در اندیشه اسلامی مقرر مخصوص به خود را دارد، مخصوصاً آغاز به جنگ که این مرحله نیز باید همراه با اعلام قبلی و همچنین دعوت به دین دین باشد.

در این قسمت می‌خواهیم این‌گونه اصول انسانی و اخلاقی که اسلام در جنگ و جهاد ضروری می‌داند و مسلمانان را به آن امر کرده را بررسی و بیان کنیم.

۱- از دیگر مقررات جالب اسلام، احترام به اتباع دشمن و محافظت کامل از اموال آنان است. در اسلام، جنگ با یک کشور، هیچ‌گونه قیدی را متوجه اتباع آن کشور که مقیم دارالاسلام هستند، نمی‌کند و تا وقتی که خوف خیانت از آنان نرود (در این صورت بر طبق آیه ۵۸ از سوره انفال) «و اما تخافن من قوم خیانة فانبد الیهم علی سواء ان الله لا یحب الخائنین» (انفال/۵۸) باید با احترام ایشان را به خروج از دارالاسلام، راهنمایی کرد. اموال تبعه دشمن نیز هرگز مصادره نمی‌شود و آنان حق آزادی رفت‌وآمد و معامله با مسلمانان را - همچنان که در حالت صلح دارند - خواهند داشت (حکیم، ۱۳۷۸).

۲- در آیه ۸ از سوره مائده نیز می‌خوانیم: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی ان الله خبیر بما تعملون» (مائده/۸). این آیه بر عدل و قسط تأکید کرده و حتی تجاوز دشمن را دلیلی برای عدم اجرای عدل ندانسته است و حتی در اختلاف‌نظر با کسانی که هم‌رأی هم نیستیم باید اعتدال و عدالت را رعایت کنیم. از این‌رو نظر به اینکه کشتن غیرنظامیانی که هیچ دخالتی در جنگ ندارند، عین ظلم می‌باشد، مسلمانان مأمور به اجتناب از آن هستند (حکیم، ۱۳۷۸).

۳- منع از کشتن برخی افراد: در فرایند جنگ و جهاد باید از کشتن و جنگ کردن با افراد زیادی پرهیز کرد، مانند زن، کودک و پیرمرد و هر انسان دیگری که نمی‌تواند جنگ کند و توان مقابله ندارد همچنین کسانی که درخواست امان و پناه کرده و از جنگ کردن صرف‌نظر کرده‌اند (حسینی، ۱۳۸۲ الف).

۴- از دیگر نکات مهمی که در آیات قرآنی نیز به آن اشاره شده است، دعوت و گرایش به صلح است و قرآن تأکید می‌کند که اگر سپاه مقابل در صدد صلح بود، سپاهیان مسلمان هم این دعوت را بپذیرند. در مورد علت این دستور اسلام، باید توضیح داد که هدف اسلام جنگ و خونریزی نیست و پیوسته دنبال بهانه برای این است که تلفات کم شود و یکی از راه‌های کم شده میزان تلفات جنگی این است که هر چه سریع‌تر دو سپاه به صلح و ترک جنگ روی بیاورند. این دستور را می‌توان در آیه مبارکه ۶۱ سوره انفال مشاهده کرد که می‌فرماید: «وَ اِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَی اللّٰهِ اِنَّهُ هُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ* وَ اِنْ یُرِیدُوا اَنْ یَخْذَعُوْکَ فَاِنَّ حَسْبَکَ اللّٰهُ هُوَ الَّذِیْ اٰتٰکَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِیْنَ» (انفال/۶۱ و ۶۲).

«و اگر تمایل به صلح نشان دهند تو نیز از صلح درآی و بر خداوند توکل کن که او شنوا و داناست و اگر از فریب آن‌ها بیم داری پس (بدان) خدا تو را کفایت می‌کند، او همان کسی است که تو را، با یاری خود و مؤمنان تقویت کرد و میان دل‌های آنان الفت انداخته است...» (الهامی، ۱۳۷۸).

۵- ممنوعیت برخی کارها: از بین بردن درختان میوه‌دار، از بین بردن حیوانات (حسینی، ۱۳۸۲ الف).

۶- منع از اعمال فجیع مانند: مثله کردن، قطعه‌قطعه کردن (حسینی، ۱۳۸۲ الف).

۷- منع از برخی رفتارهای رایج غیراخلاقی در جنگ‌ها: مانند پرهیز از نقض تعهدهای قبلی با دشمنان، رفتارها را مبتنی بر حسن نیت انجام دهیم. به‌عنوان مثال اگر جبهه مخالف سفیر فرستاد، یا درخواست مذاکره کردند، پیشنهاد ایشان را قبول کنیم. پرهیز از تضعیف ظرف مقابل، پرهیز از کمک کردن به دشمنان دیگر برای تضعیف دشمنان فعلی، انجام ندادن عمل خائنانه، عدم تعرض به کسانی که ترک جنگ نموده‌اند، پرهیز از انجام اعمالی که زمینه‌های تعرض را و جنگ را آماده کند، عدم به خطر انداختن آزادی‌های مشروع طرف مقابل (حسینی، ۱۳۸۲ الف).

- ۸- یکی از نکات کلی و مهم و قابل توجه در حین جنگ این است که از بین سپاه دشمن اگر کسی اعتزال نمود به این معنا که اعلام بی طرفی کرد، باید به این اعلام و اقدام او توجه و احترام گذاشت و از این به بعد با او به عنوان دشمن و طرف خصمه نباید برخورد کرد بلکه او کاملاً بی طرف است. که این اعلام بی طرف بودن یا به صورت معاهده و پیمان است و یا به صورت اعلام ساده است که در هر صورت محترم و قابل توجه است و دیگر به این فرد یا گروه حق تعرض وجود ندارد و جان و مال این افراد محترم است (حسینی، ۱۳۸۲ الف).
- ۹- یکی از دستوره‌های مهم اخلاقی در فرایند جنگ، پناه دادن است که به اصطلاح امان دادن میگویند. امان دادن به معنی تعهد سپردن برای خودداری از تعرض به کسی در شکل کشتن یا اسیر گرفتن وی. «اگر کسی از دشمنان به فردی از مسلمانان پناه ببرد و آن مسلمان او را امان دهد، مسلمانان دیگر نمی‌توانند به او تعرض کنند و باید جان و مال آن کافر را حفظ کنند و محترم بدانند. این پناه دادن می‌تواند به وسیله مرد، زن و حتی کودک باشد (حسینی، ۱۳۸۲ الف). و به صورت کلی، در اب چگونگی جهاد، مولفه‌های مهم و اساسی وجود دارد که باید رعایت شود که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد، حرمت غدر، تعدی نکردن، حرمت مثله، ممنوعیت به کار بردن سم، حفظ محیط زیست، دعوت به حق، پرهیز از پیش دستی در آغاز جنگ، پذیرش پناهندگی (هاشمی و یوسفی، ۱۴۳۶، صص ۷۵-۸۶).
- ۱۰- معاهده و پیمان صلح: یکی از نکاتی که مسلمانان در جهاد ملزم به رعایت آن هستند، اقدام به عقد معاهده و پیمان صلح است. در شرایطی که دشمن اقدام به پیشنهاد صلح نموده و مسلمانان هم این پیشنهاد را واقعی و صحیح بدانند، در این صورت بهتر است که به عقد آن صلح‌نامه اقدام کنند در قرآن هم آیاتی در این مورد می‌باشد و امر می‌کند بر این که، اگر با دشمنان پیمانی بستید تا زمانی که دشمن به آن پیمان پایبند است، مسلمانان هم به آن پیمان پایبند باشند و آن را نقض نکنند مانند آیه ۴ سوره مبارکه توبه که می‌فرماید «إِلَّا الَّذِينَ آذَيْنَا بِعَهْدِنَا مِنَّا الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوا شَيْئاً وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَداً فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (توبه/۴) (حسینی، ۱۳۸۲ الف).
- ۱۱- تحریم ترور: هر چند جهاد دفاعی مستلزم هر اقدامی برای واکنش به تجاوز است، تفکر شیعی توسل به ترور را تحریم کرده است. مراد از ترور همان اقدام به کشتن به‌طور ناگهانی و غافلگیرانه است که گاهی در جنگ و درگیری‌های سیاسی مشاهده می‌شود (فیرحی، ۱۳۸۷).
- ۱۲- نهی از مکر و نیرنگ: فقه شیعه نه تنها ترور را منع کرده، بلکه از هر نوع مکر و نیرنگی، حتی از حمله شبانه بر نیروهای نظامی دشمن نیز حتی‌الامکان پرهیز داده است. در فرایند درگیری نظامی، در بسیاری از موارد پیروزی در جنگ اقتضا می‌کند که به برخی رفتارهای ناجوانمردانه دست زد، اسلام این‌گونه از رفتار هارا منع و جایز نمی‌داند و قائل است به اینکه، اگر تبلیغ و دعوتی قرار است صورت بگیرد، از طرق غیرانسانی و ناجوانمردانه ممکن نیست (فیرحی، ۱۳۸۷).
- ۱۳- منع سلاح‌های کشتار جمعی: یکی از منع‌های شدید اسلام در جهاد، منع از استفاده از سلاح‌های کشتارهای جمعی می‌باشد. امروزه سلاح‌های کشتار جمعی در قالب ادوات و تجهیزات نظامی است، در گذشته هم مشابه این‌گونه سلاح‌ها موجود بوده که اسلام از آن‌ها منع کرده است از مهم‌ترین آن‌ها استفاده از سم بوده است (فیرحی، ۱۳۸۷).
- ۱۴- منع تعرض به غیرنظامیان: فقه شیعه حمله به غیرنظامیان را ممنوع کرده است. در بین غیرنظامیان نیز، بخصوص رعایت حال و احترام زنان، کودکان و پیران دشمن بیشتر توصیه شده است. تأکید می‌کند که اگر نظامیان مهاجم در التهاب جنگ، کودکان را سپر خود می‌کنند، تیر انداختن به سمت دشمن، آن‌هم نه به قصد کودکان، بلکه به قصد نظامیان جایز است؛ و هرگاه که التهاب جنگ فروکش نموده باشد نمی‌توان به کودکان به هیچ وجهی آسیب رساند. از جمله غیرنظامیان که احترام ویژه‌ای از دیدگاه اخلاق نظامی در فقه شیعه دارند، اصحاب علم و دین می‌باشند که موضع بی طرفی دارند و از نظر فقه شیعه رعایت حال و جان آنان لازم است (فیرحی، ۱۳۸۷).
- ۱۵- رعایت محیط‌زیست: حفظ و صیانت از محیط‌زیست و میراث تمدن بشری، از جمله مصادیق اخلاق نظامی تلقی شده است. فقه شیعه در این باره، به خصوص به سه مورد عمده توجه نموده است (فیرحی، ۱۳۸۷).
- ۱۶- تقدّم دعوت بر جنگ: از آنجاکه هدف از جنگ در اسلام دعوت به توحید و رشد و کمال و سعادت‌مندی انسان در دنیا و آخرت است، لذا سعی بر این است که این هدف با دعوت و گفت‌وگوی صلح‌آمیز تأمین شود و از جنگ و خونریزی پرهیز گردد. از این رو اصل دعوت بر جهاد تقدم دارد و از مهم‌ترین اصول سیاست خارجی اسلام و از احکام منصوصه و ضروری دین به شمار می‌آید (سلطان محمدی، ۱۳۸۵).

آیات صلح طلبانه:

آیات صلح طلبانه ی فراوانی در قرآن وجود دارد و در موارد و مواضع بسیار مسلمانان را دعوت به صلح و اخلاق حسنه ی اجتماعی نموده و این امر را برای آنان لازم و ضروری دانسته است. بنابراین در ابتدا لازم است که آیات صلح طلبانه قرآن را بیان کنیم تا هم جایگاه و اهمیت صلح در اسلام بیشتر مشخص شود و هم ضرورت توجه و گرایش به صلح و امنیت عمومی را مبتنی بر آیات قرآن کریم بیشتر بررسی کنیم:

آیه اول:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ » (بقره/۲۰۸)

آیه مبارکه ۲۰۸ سوره بقره یک دستور کلی و عمومی به تمام مسلمانان می‌دهد و همه را دعوت به صلح و آشتی می‌نماید و این امر یک دستور همگانی و عمومی است و وظیفه‌ی مؤمنان این است که بنای زندگی و معاشرت‌ها و رفتارهایشان را بر صلح و آشتی بگذارند (آقاباقری، ۱۳۹۳).

آیه دوم:

« إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاؤُكُمْ حَضِرَتْ صُدُورُهُمْ أَوْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمَّ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلْمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا » (نساء/۹۰) آیه ۹۰ سوره نساء که در مورد جنگ و جهاد است بیان می‌کند، افرادی که به مسلمان تعرضی نکرده‌اند و قصد مبارزه و جنگ ندارند، در امان و آسایش می‌باشند و مسلمانان هم موظف هستند که با آن‌ها با صلح و آرامش برخورد کنند و حقوق ایشان را بی‌جهت ضایع نکنند (آقاباقری، ۱۳۹۳).

آیه سوم:

«...وَ الصُّلْحُ خَيْرٌ وَ أَخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَ إِن تَحْسَبُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا » (نساء/۱۲۸) این آیه همان‌طور که از الفاظ آن مشخص است، تأکید فراوانی بر صلح و اصلاح ذات بین دارد. این آیه بیشتر در مورد خانواده و روابط بین خانوادگی است که یکی از مصداق‌های مهم صلح می‌باشد (آقاباقری، ۱۳۹۳).

آیه چهارم:

« يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ » (آل عمران/۶۴)

آیه ۶۴ سوره مبارکه آل عمران نیز از آیاتی است که دعوت و تأکید فراوان بر وحدت دارد و این آیات نشانه دعوت بر صلح است و در اسلام تجویز جنگ به خاطر جلوگیری از ظلم و تعدی، تجاوز، آزادی محرومان و مستضعفان و دفاع از حق و رفع موانع است و یا برای رسانیدن دین به‌عنوان عاملی حیاتی و مایه‌ی سعادت برای تشنگان حیات معنوی و هدایت (آقاباقری، ۱۳۹۳).

ثمرات و فواید اخلاقی و اجتماعی جهاد

علاوه بر مباحث پیشین که نکات و دستورهای اخلاقی در ضمن جهاد را ذکر کردیم باید بیان کرد که جهاد خودش دارای ثمرات و فواید فردی و اجتماعی فراوان است. درحالی‌که امروزه گروه‌هایی مانند داعش و القاعده با جهاد نامیدن وحشی‌گری‌های خود، جهاد را امری منفور و غیرانسانی معرفی کرده‌اند که برای جوامع غیر اسلامی به نحوی نماد تروریسم و کشتار بی‌گناهان شده است. لذا در این مرحله برخی از ثمرات جهاد را که جنبه‌ی فردی و اجتماعی داشته و جلوه‌ی دیگری از زیبایی‌های جهاد می‌باشد را بیان می‌کنیم. قبل از ذکر ثمرات و آورده‌های اجتماعی جهاد، باید بیان کرد که یکی از آفتهایی که عمل انسانی را تباہ می‌سازد، بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی نسبت به دفاع از حق و حقیقت می‌باشد و انسان نباید نسبت به حقیقت، جحد و استنکار داشته باشد (فوادیان، ۱۳۶۴، ص ۱۵۸).

۱- دفاع از آزادی عقیده در مقابل مستکبران

مبارزه با اختناق را می‌توان یکی از دست‌آورد های مهم جهاد دانست (مطهری، بدون تاریخ، ص ۳۰) در طول تاریخ مستکبران در مقابل کسانی که می‌خواستند خدا را عبادت کنند با ایجاد موانع فراروی مردم مانع ادای این حق مسلم الهی می‌شدند. سلاطین از سویی آن‌ها را در جهل و بی‌خبری نگه می‌داشتند و از سوی دیگر، با ارائه راه‌های انحرافی و معبودهای ساختگی، تلاش می‌کردند از جهل و بی‌خبری مردم به نفع خود استفاده کنند. بنابر این، جهاد با هدف از بین بردن موانع رشد و پیشرفت بشری، می‌تواند مقدمه‌ای برای آزادی‌های فردی و اجتماعی باشد (بی‌نام، ۱۳۶۲، ص ۸۸). مضاف بر این که برخی دیگر، فلسفه‌ی جهاد را اصولاً همین آزادی عقیده و تبیین اندیشه‌های عمیق و کارآمد اندیشه اسلامی می‌دانند (اشراق، ۱۳۶۰، ص ۱۲۶).

جهاد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عبادت‌های اسلامی، مستکبران و متجاوزان به‌حق بندگی خداوند را مورد هدف قرار می‌دهد، نه توده جاهل و مستضعف را. خداوند جهاد را واجب کرده تا اولاً، مستکبران سرکوب شوند و انسان‌های در ضعف نگه‌داشته شده رهایی یابند، ثانیاً، کسانی که در جهالت و بی‌خبری گرفتار شده‌اند، از نور معرفت الله بهره‌مند شوند و با آشنایی به وظایف خویش و عمل به آن‌ها در جهت سعادت خویش گام بردارند (وحیدی‌منش، ۱۳۸۵).

۲- کمک به مستضعفان و مظلومان

از دیگر ثمرات مهم جهاد می‌توان یاری مستضعف را نام برد (بی‌نام، ۱۳۶۲، ص ۸۰) مستضعف در اصطلاح فقهی و قرآنی به معنای فقیر و فاقد زندگی مناسب اقتصادی نیست، بلکه کسی است که بدون داشتن هیچ‌گونه عنادی صرفاً به دلیل نشنیدن پیام حق کافر شده است، صرف‌نظر از اینکه از نظر اقتصادی دارا باشد یا ندارد. طبق این مفهوم، بسیاری از مخترعان، صاحبان اندیشه و حتی بسیاری از سرمایه‌داران مستضعف محسوب می‌شوند.

قرآن می‌فرماید: مستضعفان با زبان خود از خدا می‌خواهند تا آن‌ها را از تحت قدرت زمامداران ظالم نجات دهد و حکومت الهی و دینی را یار و یاور آنان نماید:

« مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا. » (نساء/ ۷۵) قرینه در اصطلاح قرآنی به معنای مرکز حاکمیت است. طبق این آیه شریفه، یکی از اهداف جهاد نجات مستضعفان از زیر یوغ ظالمان معرفی شده است (وحیدی‌منش، ۱۳۸۵).

۳- دفاع مشروع از بشریت

ماده ۵۱ منشور سازمان ملل دفاع مشروع را به معنای دفاع از آب‌وخاک و مرزهای کشور تعریف کرده است. بر اساس بند ششم از ماده دوم منشور سازمان ملل، عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها یکی از اصول بسیار مهم روابط بین‌الملل به حساب می‌آید. اما در کنار آن، دفاع از حقوق بشر و مداخله بشردوستانه اصل پذیرفته‌شده میان عقلاست. تبدیل نشدن این اصل به یک قاعده حقوقی بین‌المللی، تنها به این دلیل است که ممکن است قدرت‌های بزرگ با استناد به آن بخواهند منافع خود را دنبال کنند و کشورهای ضعیف را به این بهانه مورد تجاوز قرار دهند. تجاوز آمریکا به سومالی و عراق با همین بهانه انجام شده است.

بنابراین، صرف‌نظر از سوءاستفاده‌های قدرت‌های سلطه‌گر، اصل مداخله بشردوستانه مورد تأیید عقلاست. به همین دلیل، چنین اقداماتی دخالت در امور دیگر کشورها نیست، بلکه به معنای حمایت از حقوق ضعفا و کسانی است که تحت سلطه و ظلم و ستم حکومت‌های جائر به سر می‌برند. هیچ عاقلی حمایت از مظلوم را تجاوز نمی‌داند؛ و همین مسئله از مهم‌ترین قوانین عالم برای مقابله با مستکبران می‌باشد و آنان را از دست‌درازی به حقوق دیگران بازمی‌دارد.

یکی از اهداف جهاد در اسلام دفاع از بشریت است که با همین اصل عقلایی همخوان است. در صورتی که جنگ تنها راه دفاع از ستمدیدگان باشد و هیچ راه مسالمت‌آمیزی پیش رو نباشد، باید به آن اقدام کرد. (قانون اساسی ایران، اصل ۱۵۲). علاوه بر این جلوه‌ی دیگر جهاد که به‌منزله تلاش برای تأکید و حفظ حقوق بشر می‌باشد، دفاع از جانها و سرزمین‌ها و اموال مظلومان است که آیه مبارکه ذیل هم تأیید می‌نماید: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنِ اللَّهُ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَغْيًا حَقًّا إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ» (حج/ ۳۹ و ۴۰) آیه شریفه دفاع را برای خود مظلومان تجویز می‌کند، اما از عموم تعلیل، عموم حکم استفاده می‌شود. پس نجات مظلومان یکی از فلسفه‌های جهاد است (وحیدی‌منش، ۱۳۸۵). در شرح نهج البلاغه نیز امر به معروف و یاری مومنان در این زمینه را از ثمرات جهاد معرفی کرده اند (ابن‌میثم، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۴۳۷).

۴- جلوگیری و بازداشتن ظلم و بی‌عدالتی

حیات اجتماعی (چه در بین افراد و چه در میان قبایل یا کشورها) مبتنی است بر عدالت و همکاری در دست‌یابی به آن هدف و جلوگیری از ظلم. قرآن کریم بشریت را به اجرای این تکلیف در دستور و فرمان عمومی زیر (که در فصل پیش نیز نقل گردید) ترغیب و تشویق می‌کند: «تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان...» (مائده/۲)؛ یعنی: همدیگر را در نیکوکاری و تقوی یاری کنید نه بر گناه و ستمکاری... .

دیگر توضیحات قرآنی این همکاری، در پیکار با بی‌عدالتی، آیات ذیل می‌باشند: «و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها...» (نساء/۷۵) یعنی: چرا در راه خدا جهاد نمی‌کنید در حالی که جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک که در مکه اسیر ظلم کفارند می‌گویند: بار خدایا ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آور... «... و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت

الارض...» (بقره/۲۵۱)؛ یعنی: اگر خداوند شرّ بعضی را با برخی دیگر از مردم، دفع نمی‌کرد، فساد روی زمین را فرامی‌گرفت... این تعهد همکاری در جنگ و پیکار علیه ظلم و بی‌عدالتی، نتیجه اخوت بشری و وحدت منافع و مسؤولیت اجتماعی است که در بشریت وجود دارد. هر ظلمی که علیه یک انسان صورت می‌گیرد مانند آن است که بر تمامی بشریت واقع شده است. قرآن کریم این وحدت منافع و مسؤولیت را با معادله زیر، تبیین می‌فرماید:

«... من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکأنما قتل الناس جميعاً و من احياها فکأنما احيا الناس جميعاً...» (مائده/۳۲) یعنی: هر کس نفسی را بدون حق قصاص و یا بی‌آنکه فساد و فتنه‌ای در روی زمین کند، بکشد مثل آن است که همه مردم را کشته و هرکسی، نفسی را حیات بخشد مانند آن است که به همه مردم حیات داده است... هر مسلمانی نه تنها ملزم به همکاری در جلوگیری از بی‌عدالتی است بلکه ملزم است برای جلوگیری از اعمال خلاف و غیرقانونی همکاری نماید (قربان‌نیا، ۱۳۸۲). و مصداق بارز جلوگیری از ظلم را می‌توان در احکام جنگی اسلام مشاهده کرد، چرا که یکی از احکام مهم جهاد، پناه دادن به فردی که تسلیم شده است می‌باشد (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۵)، با این توضیح که هدف از جهاد و دفاع، کشتار و خون ریزی نیست، بلکه دفاع معقولانه و مشروع می‌باشد، بنابراین زمانی که دشمن تسلیم می‌شود، نمی‌توان او را مورد هجوم قرار داد. در تکمیل این ثمره از جهاد می‌توان به تفکیک و تبیین گروه‌های حق از باطل اشاره کرد و آیه ی شریفه «لِيَمَيِّزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ»^۴ را مبین این ثمره دانست (دهقان، ۱۳۸۹، ص ۱۰۹). و در نهایت، ثمره ی اصلی و نهایی جهاد را می‌توان گشوده شدن راه کمال و فضایل برتر انسانی دانست (طالقانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۴۱) که انسان را در مسیر نیل به سعادت اخروی رهنمون می‌سازد.

علت خشونت‌های موجود

نتیجه آنچه تا به حال بیان شد این است که جهاد هدفی مقدس دارد، نه در هدف جهاد و نه در شرایط و نحوه اجرای جهاد، هیچ‌گونه خشونت و نقض حقوق بشر وجود ندارد و هرگز در راستای اهداف مستکبران نبوده است. ولی سؤالی که وجود دارد این است که چرا در عین این که اسلام، جهاد را این‌گونه قانون‌مند و با این اهداف زیبا وضع کرده است باز هم مشاهده می‌کنیم که در نحوه اجرای جهاد و شرایط آن خشونت و نقض حقوق بشر مشاهده می‌شود. به‌خصوص آنچه امروزه در قالب گروه‌های تکفیری و تروریستی به نام اسلام و جهاد آزادی اقدام به جنگ و جهاد می‌کنند، با وجود این که مبنای آن‌ها اسلام و تعالیم اسلامی است، رفتار آن‌ها هیچ شباهتی به تعالیم اسلام ندارد و رفتار آنان نقض حقوق بشر و انجام خشن‌ترین کارها است؟ در مورد پاسخ سؤال طرح‌شده در ابتدا یک نکته مهم بیان می‌شود و در ادامه دلایلی که این‌گونه خشونت‌ها شکل می‌گیرد را اشاره می‌کنیم.

نکته: هیچ دلیلی بر ملازمه بین آموزه‌های یک دین و عمل پیروان آن دین وجود ندارد. با این توضیح که یک دین و اعتقاد، دستورها و آموزه‌های مختلفی دارد و پیروان خود را به آن‌ها امر می‌کند، مانند اسلام که به مسلمانان امر می‌کند که جهاد و جنگ را با شرایط و اهداف ذکرشده انجام دهند ولی نکته این است که افراد در برخی موارد و یا غالباً از آن دستور دین سرپیچی کرده و به آن عمل نمی‌کنند با وجود اینکه خود را پیرو آن دین می‌دانند. دقیقاً مانند جریان‌های تکفیری امروزی که خود را مسلمان می‌دانند ولی رفتار و اعمال خود را مطابق اسلام و دین انجام نمی‌دهند.

بعد از بیان این نکته لازم است به علت‌های این‌گونه رفتارهای خشونت‌آمیز که به نام دین انجام می‌شود اشاره کنیم:

۱- فهم غلط از دین:

عالمان بزرگ بسیاری از این جریان‌های تکفیری بدون رجوع و مطالعه صحیح دین، برداشت‌های ابتدایی و غلط خود را، دین صحیح و واقعی می‌دانند و تصور می‌کنند که دین همان تصورات و برداشت آن‌ها را تأیید می‌نماید، در صورتی که این روش صحیح نیست و باید در نحوه مراجعه به دین و آموزه‌های دینی دقیق بوده و سعی کنند که نظر حقیقی دین را در همان موضوع بفهمند.

۲- جهالت پیروان:

علاوه بر این که برخی از عالمان و بزرگان دین، فهم صحیحی از دین ندارند، پیروان آن دین نیز درصدد فهم صحیح و دقیقی از آن دین نیستند و به آنچه عالمان می‌گویند اعتماد کرده و دین واقعی را همان نظر عالمان می‌دانند، در صورتی که این رفتار صحیح نیست و باید مدنظر داشته باشند که امکان دارد عالمان اشتباه کرده و بایستی بادید خودشان هم، اجمالاً دین را بررسی و مطالعه کنند.

۳- منفعت طلبی:

بسیاری از افراد ممکن است اقدام به انجام برخی اعمال و رفتارها بنمایند و با وجود اینکه می‌دانند آن رفتار صحیح نیست و دین هم آن‌ها صحیح نمی‌داند و صحه نمی‌گذارد، ولی این افراد به اعمال غیر صحیح خود ادامه می‌دهند و حتی تبلیغ می‌کنند که رفتار آن‌ها صحیح است، از علت‌های این امر، منفعت‌طلبی است، چون این افراد، منفعت و سود خود را در این‌گونه رفتار خشونت‌آمیز می‌دانند، به این‌گونه از رفتارها ادامه می‌دهند

۴- استکبار:

یکی دیگر از موارد استکبار است که یک رفتار خاصی را تبلیغ و حمایت می‌کند و پیروان آن دین هم به‌اشتباه تصور می‌کنند که آن رفتار صحیح است. نمونه این اتفاق را در رفتارهای داعش، القاعده و گروه‌های تکفیری مشاهده می‌کنیم. در حقیقت، کشتاری که چنین گروه‌هایی به نام جهاد و با بهانه‌ی مبارزه با استکبار انجام می‌دهند، خود متولد استکبار است. استکبار جهانی با بها دادن و دامن زدن به این انحراف، جهاد را از مسیر اصلی‌اش منحرف می‌کنند به‌طوری‌که همان جهادی که قرار بود از بین برنده مستکبران شود، خود وسیله دست آنان می‌شود. مستکبران با سیاه نمایاندن جهاد، درصدد هستند تا امید مستضعفین عالم را برای چنگ زدن به این راهکار الهی در مبارزه با آن‌ها، از بین ببرند.

نتیجه گیری

استکبار ستیزی یکی از ارکان مهم سیاست گذاری های اسلام در عرصه های اجتماعی و بین المللی است. مسئله ای که در نقطه اوج خود به صورت جهاد نمود پیدا می کند. جهاد در راه خدا به عنوان یکی از والاترین مقامات و اعمال در قرآن به کرات اشاره شده است. اما امروزه که مستکبران عالم خود با ایجاد مفهوم جدیدی از جهاد و ترویج آن بوسیله عوامل دست نشانده خود مانند داعش و القاعده و ... این عمل متعالی را به انحراف کشانده اند. تمام این انحرافات از مفهوم جهاد بسبب کج فهمی ها و جهالت ها نسبت به منظور قرآن از جهاد می باشد. جهاد حقیقی چه در نوع ابتدایی خود و چه جهاد دفاعی، از تاثیرگذارترین و بهترین راهکارها برای مقابله با استکبار، خشونت، کفر، عقب ماندگی جوامع و فساد و ... می باشد.

منابع و مراجع

- ۱) آقاباقری، محمدجواد. (۱۳۹۳). دفاع پیش‌دستانه با بررسی فقهی و حقوقی شیوه‌های آن: منازعات مسلحانه (جهاد)، ترور و عملیات انتحاری (استشهادی). (دانشگاه امام صادق (ع)). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲) ابن منظور، محمد بن مکرم. (بدون تاریخ). لسان العرب (ج ۲). بیروت - لبنان: دار صادر.
- ۳) ابن‌میثم، میثم بن علی. (۱۴۱۷). شرح نهج البلاغه (ابن میثم، ترجمه فارسی). (محمدصادق عارف، محمد بن حسین شریف الرضی، قربانعلی محمدی مقدم، محمد رضا عطایی، امام اول علی بن ابی طالب (ع)، علی اصغر نوایی یحیی زاده، و حبیب الله روحانی، ویرایشگران) (ج ۵). مشهد مقدس - ایران: آستان قدس رضوی، موسسه چاپ و انتشارات.
- ۴) اشراق، محمدکریم. (۱۳۶۰). تاریخ و مقررات جنگ در اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۵) البلاغی، محمدجواد. (بی تا). الرحلة المدرسية والمدرسة السیارة فی نهج الهدی (ج ۱). کربلا: موسسه اعلمی کربلا.
- ۶) الهامی، داود. (۱۳۷۸). ۷-اخلاق و جنگ/ اسلام و صلح. درسهایی از مکتب اسلام، ۴۶۰(۳۹)، ۲۲-۳۴.

- ۷) بی نام. (۱۳۶۲). آئین جهاد از دیدگاه امام علی علیه السلام (ج ۱). تهران - ایران: روابط عمومی بنیاد نهج البلاغه.
- ۸) پویا، منصور. (۱۳۷۹). علی(ع) و استکبار. (سازمان تبلیغات اسلامی. معاونت پژوهشی و سازمان تبلیغات اسلامی. شرکت چاپ و نشر بین الملل). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- ۹) ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. (۱۳۸۸). تهران: مرتضوی.
- ۱۰) جمشیدی، محمدحسین؛ و طوسی، کوثر. (۱۳۹۷). جهاد یا تروریسم: پژوهشی کلامی و فقهی در مکتب امامیه. (دانشگاه امام صادق(ع)). تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، انتشارات.
- ۱۱) جوهری، اسماعیل بن حماد؛ و عطار، احمد عبدالغفور. (۱۴۰۴). الصحاح (ج ۱). بیروت - لبنان: دار العلم للملایین.
- ۱۲) حسینی، ابوالقاسم علی. (۱۳۸۲ الف). جهاد و حقوق بین الملل. (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشاراتی.
- ۱۳) حسینی، ابوالقاسم علی. (۱۳۸۲ ب). جهاد و حقوق بین الملل. (پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سازمان انتشاراتی.
- ۱۴) حکیم، سیدمحسن. (۱۳۷۸). آداب جنگ یا تقوای جنگی در اسلام. مقالات و بررسی ها، ۶۵(۳۲)، ۳۹-۶۲.
- ۱۵) حیدری کاشانی، حسین. (۱۳۶۷). جنگ، یا، فرمانهای نظامی در اسلام. (جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۶) خمینی، روح الله. (۱۳۸۳). استکبار جهانی و شیطان بزرگ از دیدگاه امام خمینی(س). (علیرضا حاجی زاده، محمود دارینی، و موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، ویرایشگران). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س).
- ۱۷) دهقان، اکبر. (۱۳۸۹). ۱۱۴ نکته از قرآن کریم پیرامون جهاد فرهنگی و نظامی (ج ۱). قم - ایران: حرم.
- ۱۸) رشید رضا، محمد بن علی رضا. (۱۹۹۰). تفسیر المنار (ج ۱۲). بی جا: الیهیئة المصریة العامة للکتاب.
- ۱۹) رهبر، محمدتقی. (۱۳۶۲). استکبار و استضعاف از دیدگاه قرآن (ج ۱). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. چاپخانه سپهر.
- ۲۰) رهبر، محمد تقی. (۱۳۶۲). استکبار و استضعاف از دیدگاه قرآن.

۲۱) زحیلی، وهبه. (۱۳۸۹). آثار جنگ از دیدگاه فقه اسلامی. (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی، ویرایشگران، عبدالحسین بینش، مترجم). قم: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه،

پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت.

۲۲) سلطان محمدی، ابوالفضل. (۱۳۸۵). جنگ و صلح در احادیث. علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، ۳۴(۱)، ۷۵-

۱۱۰.

۲۳) صالحی نجف آبادی، نعمت‌الله. (۱۳۸۲). جهاد در اسلام. تهران: نشر نی.

۲۴) طالقانی، محمود. (۱۳۸۰). پرتوی از نهج البلاغه (با نقل منابع و تطبیق با روایات مأخذ دیگر). (امام اول علی بن ابی

طالب (ع) و محمد مهدی جعفری، ویرایشگران) (ج ۱). تهران - ایران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ

و انتشارات.

۲۵) فوادیان، شیخ رمضان. (۱۳۶۴). سیری در جهاد (ج ۱). تهران - ایران: مازگرافیک.

۲۶) فیرحی، داود. (۱۳۸۷). مفهوم جنگ و اخلاق نظامی در اسلام شیعی. سیاست، ۱۵(۱)، ۱۳۱-۱۶۰.

۲۷) قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۸۲). حقوق جنگ در اسلام. رواق اندیشه، ۲۲(۳)، ۲۷-۵۸.

۲۸) مطهری، مرتضی. (بدون تاریخ). جهاد (ج ۱). تهران - ایران: انتشارات صدرا.

۲۹) هاشمی، سیدمحمد امین؛ و یوسفی، محمدرضا. (۱۴۳۶). بررسی تطبیقی دفاع در اسلام و حقوق بین‌الملل. (جامعه

المصطفی (ص) العالمیه، ویرایشگر). قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).

۳۰) وحیدی‌منش، حمزه‌علی. (۱۳۸۵). اهداف جهاد در اسلام. معرفت، ۱۰۲(۱۵)، ۹-۱۳.